
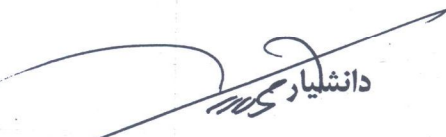

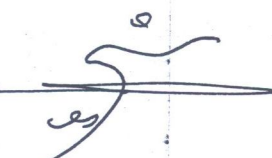



صلى الله عليه وسلم

## تأیید اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان آقای نادعلی شجاعی تحت عنوان بررسی شیوه‌های روایی آئین‌های نمایشی در استان فارس - پروژه عملی: نگارش فیلمنامه «آرش» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می‌کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	دکتر سید حبیب الله لزگی	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر سید مصطفی مختاباد	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر علی شیخ مهدی	۳- نماینده تحصیلات تکمیلی
	استادیار	دکتر محمد جعفر یوسفیان کناری	۴- استاد ناظر
	استادیار	دکتر علی شیخ مهدی	۵- استاد ناظر

## آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدیدآورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تأیید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

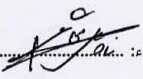
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم‌افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب ... علی سعیدی ... دانشجوی رشته ارزشیابی ... ورودی سال تحصیلی ۸۶-۸۷ مقطع کارشناسی ... دانشکده فنون ... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه/ رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.» ۸۷/۱/۵

امضاء: 

تاریخ: ۸۶/۴/۲۳

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته

دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر

، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

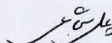
از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ پهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت پهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه

مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب  دانشجوی رشته کارشناسی ارشد مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: د. علی سجادی

تاریخ و امضا: ۱۳۹۴، ۱۴، ۱۳





دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده هنر و معماری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

ادبیات نمایشی

بررسی شیوه‌های روایی آئین‌های نمایشی در استان فارس

پروژه عملی:

فیلمنامه آرش

نادعلی شجاعی

استاد راهنما:

دکتر سید حبیب الله لزگی

استاد مشاور:

دکتر سید مصطفی مختاباد

تیر ماه 1389

با سپاس و احترام و مهر فراوان

تقدیم به مادرم

بانوی فرزانه و گرانقدر

مریم حکیم الهی

که زیست انسانی و حیات معنوی ام را به تمامی و همواره وامدار اویم.

بر خود واجب می‌دانم تا

از صبر و لطف و راهنمایی‌های استاد گرانمایه و ارزشمندم جناب آقای دکتر سید حبیب الله لزگی سپاس‌گزاری نمایم.

همچنین از استاد فرزانه جناب آقای دکتر سید مصطفی مختآباد که همواره و بی دریغ مرا به حضور پذیرفتند و با راهنمایی‌های ارزشمندشان دلگرمم ساختند سپاس‌گزارم.

بی یاری و همدلی بزرگواران فرهیخته و ارجمند جناب آقای سید احمد و کیلیان و جناب آقای دکتر جمشید صداقت کیش و پژوهشگران گرانقدر آقایان ابوالقاسم فقیری و صادق همایونی و دوستان گرانقدر و دیرین ام قاسم باوقار، نوید جعفری، آرش رضانیان و نیلوفر اسفندیاری این کار به سرانجام نمی‌رسید. همواره وامدار و سپاس‌گزارشان هستم.

## چکیده:

موضوع این پایان نامه بررسی شیوه های روائی در آیین های نمایشی استان فارس است. در مسیر این بررسی به چستی و ماهیت روایت پرداخته شده و گستره و کارکرد آن مورد بررسی قرار گرفته و این پرسش مطرح گشته که با وجود گستردگی روایت ها در زندگی و بررسی همه جانبه آنها به وسیله شاخه های گوناگون علوم انسانی تفاوت روایت ادبی و هنری با روایت آنچنان که در بطن زندگی جریان دارد چیست؟ برای رسیدن به این پاسخ نظریه های روایت پیرامون ادبیات و هنر از ابتدا تا نظریه های معاصر مورد بررسی قرار گرفته، عناصر روایت مطرح گشته و چگونگی روایت و تعاریف و نظریه ها و تحولات آنها در هنر نمایش از ارسطو تا نظریه های معاصر مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از آن به چگونگی روایت گری و نمایش گری در ایران پرداخته شده، سابقه نمایش به شیوه غربی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و شیوه های نمایش ایرانی معرفی شده اند.

چگونگی شیوه های نمایش ایرانی معرفی شده و حضور و یا عدم حضور و چگونگی آنها در استان فارس بررسی گردیده است. پس از آن آیین های نمایشی طلب باران و نمایش واره های مختص استان فارس معرفی گردیده اند و در خاتمه با تطبیق نمایش واره ها و آیین ها در استان فارس با نظریه ها و تعاریف رایج پیرامون روایت این نتیجه گیری به عمل آمده است. که نظریه ها و تعاریف رایج پیرامون روایت بر قانونمندی های این آیین ها و نمایش واره ها منطبق است، اما عناصر روایت در شکل گسترده و عمیق آن به دلیل ایستایی نمایش واره های ذکر شده، رشد نیافته و در مرحله ابتدائی باقی مانده اند.

## کلمات کلیدی:

شیوه روایتگری، نمایش های آیینی، اقوام ایرانی، منطقه فارس، نقد و تحلیل



## فهرست مطالب :

1	مقدمه و کلیات تحقیق
3	فصل اول: روایت، نظریه ها و تعاریف
4	1-1 روایت
5	2-1 گستره و کارکرد روایت
10	3-1 نظریه‌های روایت
13	1-3-1 آراء و نظریه‌های معاصر پیرامون روایت
20	2-3-1 عناصر روایت
21	4-1 روایت و روایتگری در نمایش
26	فصل دوم: نمایشگری در ایران
27	1-2 روایتگری و نمایشگری در ایران
31	2-2 نمایش واره‌های ایرانی
31	1-2-2 نمایشگری های آیینی
32	2-2-2 نمایشگری های کاروانی
34	3-2-2 داستانگویی هایی نمایشگرانه
36	4-2-2 نمایشگری های میدانی و نمایشگری های گذرگاهی
36	5-2-2 نمایش عروسکی و سایه گانی و خیمه شب بازی
37	6-2-2 خندستان های سنتی
40	7-2-2 نمایش تعزیه و نمایش سوگ رنج های دین سروران
42	8-2-2 تماشاگان باختری سان و تماشاگان گزینش درآمیزی

44	فصل سوم: استان فارس، آیین ها و نمایش واژه ها
45	1-3 استان فارس قومیت ها و فرهنگ
47	2-3 نمایش واژه‌های ایرانی در استان فارس
48	1-2-3 نمایشگری های آیینی در استان فارس
49	2-2-3 نمایشگری های کاروانی در استان فارس
50	3-2-3 داستانگویی های نمایشگرانه در استان فارس
50	4-2-3 نمایشگری های میدانی و گذرگاهی در استان فارس
51	5-2-3 نمایش عروسکی و نمایش سایه گانی و خیمه شب بازی در استان فارس
52	6-2-3 خندستانهای سنتی در استان فارس
54	7-2-3 نمایش تعزیه در استان فارس
54	8-2-3 تماشاگان باختری سان و تماشاگان گزینش در آمیزی در استان فارس
55	3-3 مراسم آیینی در استان فارس
55	1-3-3 مراسم باران خواهی
56	2-3-3 زن گرفتن برای قنات
57	3-3-3 مراسم چله زنی
64	4-3-3 مراسم کوسه
68	5-3-3 مراسم چک چکو
70	4-3 نمایش واژه‌های استان فارس
70	1-4-3 نمایشواره خاله رورو
74	2-4-3 نمایشواره قنبرسیما
76	3-4-3 نمایشواره جمیله ورپریده

78	.....4-4-3 نمایشواره هوو هوو دارک به خودم
81	.....5-4-3 نمایشواره من نفهمیدم کجا به کجا نقل کجان زن پسر عمه
88	.....نتیجه گیری
90	.....منابع وماخذ
93	.....پروژه عملی: فیلم نامه آرش
140	.....چکیده انگلیسی

## مقدمه و کلیات تحقیق

انسان از آغازین روزهای حیات خویش، به ضرورت زیستن، چاره ای جز جدال و مبارزه با طبیعت را نداشته است. مبارزه ای که در گذر زمان با پیچیده تر شدن ابعاد زیست آدمی گسترده تر و دشوارتر گشته است. در این میان، حیات معنوی انسان نیز از گذرگاه این جدال و مبارزه پدید آمده و داستان سرائی و روایتگری بخش مهمی از فرهنگ معنوی آدمیان را شکل داده است.

روایت ها گاه به تقلید در آمده اند، گاه نقل شده اند و گاه در نثر و نظم سرازیر گشته اند. آدمیان به واسطه داستان سرائی و روایتگری دانش و باورهایشان را به آیندگان انتقال داده اند. دمی آسوده اند از جبر تلاش و برسمنند خیال مرزهای واقعیت را در نوردیده اند و به تجربه در آورده اند آنچه را که به امکان در نمی آمده است. رویاها و آرمانهایشان را مجسم کرده اند و از سختی جهان پیرامونشان اندکی کاسته اند.

در اهمیت روایت و داستان گوئی باید گفت که امروزه ساده ترین ارتباطات انسانی بدون آن ممکن نیست و دیگر آنکه بررسی داستانها و روایتهای هر قوم و ملتی نشانگر وسعت و عمق نگاه و رشد یافتگی فرهنگی آن ملت است.

ما ایرانیان نیز در طول تاریخ حیات خویش سرشاریم از داستانها و روایتهای گوناگون، که بخشی از آن به نظم و نثر در آمده و یا به واسطه تقلید رسمی، ثبت گردیده و زمینه ساز پژوهشهای بسیار گشته است.

اما بخش مهم دیگری که داستانها و روایتها و تقلیدهای محلی و قومی و منطقه ای را شامل می گردد، متأسفانه درصد سال گذشته به واسطه بی توجهی و گسترش سبک و روش زندگی مدرن یا از بین رفته اند و یا در حال فراموشی هستند.

در این میان تلاش گروهی اندک و انگشت شمار در ثبت روایت‌های قومی و منطقه ای ایران زمین قابل ستایش و احترام فراوان است. تعداد بسیاری از این روایت‌ها به شکل تقلید و نمایشگری به اجرا در می‌آمده که همچنان در برخی مناطق اجرای برخی از خرده نمایش‌ها پابرجاست.

این بازی‌ها و خرده نمایش‌ها هر کدام کار کردی متفاوت داشته اند که بررسی آنها از زوایای گوناگون، دستمایه مناسبی است برای اهالی هنر نمایش سرزمینمان، تا بستری سازند برای ایجاد اتفاقات جدید نمایشی با توجه به فرهنگ ملی مان.

علاقمندی شخصی اینجانب به فرهنگ و هنر ایران زمین و نیز برخورداری از این باور که بررسی خرده نمایشها، آئین‌ها و بازی‌های محلی و منطقه ای می‌تواند گامی باشد در جهت دستیابی به نمایش ملی، موجب گردید تا به آئین‌ها و بازی‌های نمایشی زادگاهم استان پهناور فارس توجه کنم. بر این اساس، بررسی شیوه‌های روائی بازی‌ها و آئین‌های نمایشی این استان را موضوع پایان نامه ام قرار دادم.

موضوع اصلی این پایان نامه بررسی شیوه‌های روائی در آئینها و نمایشواره های استان فارس است. در این بررسی پرسش‌های مطرح شده آن بود که قانونمندی و یا قانونمندی‌های حاکم بر روایت آئینها و نمایش‌واره های استان فارس چیست؟

این قانونمندی‌ها چه تفاوت‌های احتمالی با نظریه‌های رایج پیرامون روایت دارند؟ و در صورت تفاوت‌های احتمالی قانونمندی‌های حاکم بر شیوه‌های روائی شان چیست؟ و آیا می‌توان به تعریف و نظریه جدیدی در مورد قانونمندی‌های روائی این آئین‌ها و نمایشواره‌ها دست یافت؟

در روند این پژوهش مشکل بزرگ، نبود پیشینه پژوهشی مشخص در این زمینه و از بین رفتن بسیاری از خرده نمایش‌ها و بازی‌ها بود. دیگر چندگانگی گفته‌ها از یک بازی و آئین در تحقیقات میدانی که اصل روایت را با ابهام مواجه می‌ساخت.

# فصل اول:

روایت، نظریه ها و تعاریف

## 1-1-روایت

روایت چیست؟ چه هدفی را دنبال می‌نماید؟ چه تفاوت‌هایی میان روایت و شرح وقایع روزانه موجود است؟ روایت‌ها در زندگی ما چه نقشی دارند و کارکردشان چیست؟ در حوزه هنر و ادبیات، روایت از چه جایگاهی برخوردار است؟ و ...

مجموعه سؤالات فوق چند قرن است که بسیاری را بر آن داشته تا به بررسی روایت و ماهیت آن بپردازند و امروزه روایت و روایتگری در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و هنر مورد بررسی قرار گیرد. «به گفته میشل دوسرتو در کتاب *عمل، زندگی روزمره* (1984ص 186) روایت‌ها پیوسته از صبح تا شب در خیابان‌ها و ساختمان‌ها جا خوش کرده اند، آنها شیوه‌های زندگی ما را با آموزشی که به ما می‌دهند به فصاحت بیان می‌کنند. آنها رخداد را پوشش می‌دهند، یعنی افسانه‌های ما را می‌سازند. شنونده به محض بیدار شدن به تسخیر رادیو در می‌آید. در تمام طول روز در میان جنگلی از روایت‌ها پرسه می‌زند. روایت‌هایی از مطبوعات، آگهی‌های تجاری، روایت‌های تلویزیونی، در حالی که او برای رفتن به رختخواب آماده می‌شود. روایت‌ها همچنان فرصت می‌یابند تا یکی دو پیام پایانی را از زیر در اتاق خواب به آرامی به درون بفرستند. این داستان‌ها حتی بیش از آنچه که الهیون درباره خدا گفته اند کار کردی پیشگویانه و مبتنی بر رقم زدن تقدیر دارند. آنها کارها، جشن‌ها و رویاهای ما را پیشاپیش سامان می‌دهند. زندگی اجتماعی به تکرار و تقلید از حرکات، سکنتات و شیوه‌های رفتاری می‌پردازد که مدل‌های روایی بر ذهن حک می‌کنند. زندگی اجتماعی نسخه‌هایی از داستان‌ها را باز تولید کرده و می‌اندوزد. جامعه ما به سه معنا جامعه ای بازخوانی شده است: این جامعه‌ها به واسطه داستان‌ها، به واسطه نقل داستان‌ها و به واسطه بازخوانی بی واسطه داستان‌ها تعریف می‌شوند.» (آسا برگر، 1380، ص 14)

در اینجا پرسش اساسی مطرح خواهد شد، پرسشی که در گستره وسیعی که روایت در بر گرفته، پژوهشگران هنر و ادبیات می‌بایست پاسخگوی آن باشد. تفاوت روایتی ادبی با شرح وقایع روزانه چیست؟

اما قبل از آن باید دید که گستره و کارکرد روایت چیست؟

## 1-2. گستره و کارکرد روایت

روایت، امروزه گستره ای وسیع را به خود اختصاص داده است. زیست‌شناسان و مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که در تبیین تکامل جانوری و تبادل اجتماعی بررسی رفتارهای تقلیدی همان اندازه اهمیت دارد که بررسی زیستی، روایت که تا چندی پیش جایگاهی حاشیه‌ای داشته است امروزه به مثابه شیوه‌ای برای درک و فهم زندگی لازم است و گاه به محور دانش‌های دیگر تبدیل شده است و که تمامی سطوح زندگی انسانی، از ارتباطات تا انتقال دانش‌ها و بررسی تاریخ و سایر موارد را در بر گرفته است.

«مثلاً اخباری که از سراسر جهان به ما می‌رسد به شکل داستان‌هایی است که از زاویه دید ویژه ای ارائه می‌شود. درام جهانی بیست و چهار ساعته پیش چشممان گسترده می‌شود و همچون خط‌های داستانی مجزائی است که فقط آن گاه می‌توان آن را به هم پیوست که از دیدگاه‌های گوناگون آن را بنگریم، از دیدگاه فردی آمریکائی، روس یا نیجریه‌ای، دموکرات، جمهوری خواه، پروتستان، یهود، کاتولیک یا مسلمان، و رای هر یک از این دیدگاه‌های متفاوت، گذشته ای خاص و امید به آینده نهفته است.

البته هر یک از ما زندگی نامه ای نیز دارد، روایت‌های زندگی خود ما در فهم این که، که هستیم و روی به کدام سوی داریم، یاری مان می‌کنند. اگر بخواهیم داستان زندگی خود را از راه تفسیر



رویدادهای آن از زاویه ای دیگر بازنگری کنیم باید بسیاری از جنبه‌های آن را تغییر دهیم» (مارتین، 1382، ص 1)

بر این اساس باید گفت که از جنبه ای روایت‌ها همه جا حضور دارند حتی در روزمره ترین کارهای مان، از آماده کردن صبحانه و استحمام کردن همه و همه روایت است. روایتی که هم آغاز دارد هم پایان، اشخاص، زمان و مکان نمایش، تعلیق، گره، علاقه انسانی و البته پیامی اخلاقی، با این روایت‌ها چه خرد و چه کلان، خود و جهان اطرافمان را می‌شناسیم، ساختن، فهمیدن و سپس فراموش نکردن یک روایت، یعنی ادراک پدیده‌ها که این خود به ادراک امور دیگر نیز کمک می‌کند.

«هنگامی که به اشکال روایت‌هایی که الهام بخش زندگی‌مان هستند بیاندیشیم به حضور چشمگیر روایت‌های شفاهی و مکتوب در زندگی خود پی می‌بریم. زندگی نامه‌ها و خود زندگی نامه‌ها یا متون تاریخی، داستان‌های خبری و مطالب تحلیلی در رسانه‌های بی شمار، نامه‌ها و خاطرات روزانه شخصی، گزارش‌های پلیسی و پزشکی، تکالیف مدرسه، سوابق، از همه مهمتر داستان‌هایی که درباره خودمان و دیگران است. داستان پیروزی و شکست، شادی و غم و سایر تجربیات انسانی، این‌ها فقط برخی از مطالبی هستند که در قالب و کارکرد روایت ملموس به زندگی ما شکل می‌دهند.

در نگاه نخست علم نیز ممکن است بسیار متمایز از روایت به نظر رسد. اغلب علم را گنجینه‌ای رو به گسترش در راستای حقایق مناقشه پذیر می‌دانیم، دریافتی از چگونگی کارکرد اشیاء در جهان، توصیفی عینی اما ثابت و کاملاً به دور از داستان گوئی. اما در نظریه و عمل این مطلب غلط از کار درآمده است. در نظریه، تاکید بر پژوهش علمی به منزله روایتی دائماً تغییر پذیر، امری کاملاً بدیهی است. و در عمل نیز کافی است فرآیند آموزش علم را در مدارس پی بگیریم تا ببینیم که روایت

چقدر در ادراک مسأله نقش دارد.» (جی تولان، 1383، ص 11 و 12)

براین اساس گستره و کارکرد روایت در زندگی ما آدمیان بسیار وسیع و عمیق گشته است و با این دیدگاه ما از کوچکترین کارهای زندگی شخصی خود تا کلان ترین اتفاقات علمی و صنعتی به روایت نیازمندیم.

پس با این وجود تفاوت میان روایت در زندگی واقعی و یا آنچه که در درون زندگی ما منتشر گشته و چنین دامنه وسیعی را در بر گرفته با روایت ادبی و هنری چیست؟

«آیا تفاوت آنها در سبک اجرای وقایع است (سبکی که آمیزه‌ای است از زبان و صدا و حرکات سر در مقابل مشخصه‌های داستان سرایی) یا در خود وقایع و رخدادها (وقایع بی اهمیت و آشفته روزانه در مقابل رخدادهای مهم تری که براساس الگوئی زیبا شناختی شکل گرفته اند)؟ این پرسش، این نظریه را قوت می‌بخشد که گفتار داستانی دارای دو بعد صوری و متمایز و مشخص است اول شکل نمایشی و بی‌واسطه (زبان، حالات چهره و غیره) و دوم شکلی نمادین که از سطح اجرا دور و درونی تر است. برای مثال در رمان زبان مولف در یک سطح و باز نمایی شخصیت و موقعیت و رخداد در سطحی دیگر رخ می‌دهد. در نمایشنامه نیز باید زبان مولف و اجرای بازیگر و اعمال و کنش‌های شخصیت را در نظر گرفت، یعنی سه سطح قابل تشخیص که شکل در آنها محسوس است و فیلم تنها از طریق فرآیندهای عکس برداری دست کم یک سطح به این سطوح می‌افزاید و زاویه دوربین، نورپردازی، فوکوس و غیره، به یک معنا، صرف وجود خود هر یک از این سطوح صوری، تا حد مشخصی به ادبیت این فرآیند می‌افزاید» (اسکولز، 1376 ص 242-243).

هر چند قصه گوئی و روایت امری ساده به نظر می‌آید در حوزه ادبیات و هنر نیز روایت بسیار وسیع و متنوع است. چنان که در شکل رسمی روایت شامل داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه، اجراهای نمایشی با گونه‌های گوناگون و فیلم می‌گردد.

در تعریف روایت ادبی و شکل ساده شده آن شاید بگوئیم داستان خوب، شروع و میانه و پایان دارد، و کلیتی عاری از هرگونه عنصر زائد را شکل می‌دهد. اما باید گفت با تاملی بیشتر روایت و تعریف آن در حوزه هنر و ادبیات چندان هم ساده نیست.

«از زمان ارسطو به بعد طی چندین قرن تعبیر گوناگون دیگری در ماهیت و کارکرد روایت طرح و ارائه شده است. چنان که در زمان معاصر شاهد رشد فاحش نظریه‌های گوناگون در باب روایت بوده‌ایم. نظریه‌هایی چنان زیاد و متنوع که آدمی برای تأمل در همه آنها دچار سرگیجه می‌شود.

از آن جمله است نظریه‌های فرمالیست‌های روسی در باب روایت، نظریه‌های منسوب به باختین یا نظریه‌های گفتگوئی، نظریه‌های نقدنو، نظریه‌های مکتب شیکاگو یا نوارسطوئیان، نظریه‌های روان کاوانه، نظریه‌های علم التفسیری یا پدیدار شناسانه، نظریه‌های مرسوم به ساختار گرائی، نشانه شناسی و مجاز شناسی، نظریه‌های مارکس گرا و اجتماعی، نظریه‌های ساختار گرائی و ساخت زده ائی، نظریه‌های واکنش خواننده» (میلر، 1377ص12)

حال باید گفت با وجود نظریات گوناگون پیرامون روایت در حوزه ادبیات و هنر آیا می‌توان به تعریفی نسبی برای تفکیک روایت ادبی از روایت در گستره زندگی دست یافت؟

این پرسش با پاسخی دو سویه همراه خواهد بود. آری به واسطه درک و دریافت قانونمندی‌های آثار ادبی و هنری به جا مانده از آغاز تا امروز، و خیر، به واسطه تأکید امروزین بر مولف بودن هنرمند و رفتن به سوی نوعی ضد روایت محض در ادبیات و هنرهای نمایشی و خوانش مخاطب.

«اما در بررسی کلی و به شکل نسبی می‌توان شاخصه‌های مهم روایت ادبی را اینگونه تعریف کرد:

1. میزان ساخته و پرداختگی مصنوعی یا ساختار یافتگی که معمولاً در گفتگوی فی البداهه وجود ندارد. روایت ساخته و پرداخته می‌شود و معمولاً توالی و تأکید و سرعت آن از پیش طرح ریزی می‌گردد.

2. میزان از پیش ساخته و پرداختگی، به دیگر سخن اغلب به نظر می‌آید که برخی اجزای روایت‌ها را پیش‌تر دیده یا شنیده ایم، چنین به نظر می‌آید که نحوه عملکرد شخصیت‌های روایت‌های گوناگون البته با دگرگونی‌های مهم بارها در روایت‌ها تکرار می‌شوند. هم چنین میزان از پیش ساخته و پرداختگی علاوه بر روایت در انواع گوناگون نوشتار و جلوه‌های بصری نیز مرسوم است.

3. بیش‌تر روایت‌ها خط سیر دارند، یعنی معمولاً به سمت و سوئی می‌روند که از آن‌ها انتظار می‌رود و نوعی پیشرفت تدریجی یا حتی گره‌گشائی یا نتیجه‌گیری در آن‌ها دیده می‌شود. روایت باید آغاز و میانه و پایان داشته باشد.

4. روایت باید گوینده داشته باشد، این گوینده فارغ از این که چقدر در پس زمینه یا دوردست یا نامرئی است همواره حائز اهمیت است. از این نظر روایت هر چند ویژگی‌های خاصی دارد نوعی تعامل زبانی است و مانند دیگر تعاملات زبانی به گوینده و شنونده نیاز دارد.

5. روایت از آن ویژگی زبانی که آن را جابه‌جائی می‌نامند استفاده فراوان می‌برد. (جابه‌جائی یعنی توانائی زبان انسان برای اشاره به رخدادها یا اشیائی که از نظر زمانی یا مکانی از تیررس گوینده یا مخاطب دور هستند.) از این دید روایت با مواردی مانند تفسیر یا توصیف در تضاد کامل قرار دارد.

6. برای آن که گفتمانی را روایت بشماریم، از نظر زمانی و مکانی می‌بایست به نوعی شاهد دوری یا عدم حضور باشیم. روایت مستلزم یادآوری رخدادهایی است که نه فقط از نظر مکانی بلکه مهم‌تر از آن از نظر زمانی از دسترس گوینده و مخاطبانش دور باشد.» (تولان، 1383، ص 18-19)

شاید بتوان از موارد بالا نتیجه گرفت که روایت توالی از پیش‌انگاشته شده‌ای از رخدادهاست که به شکلی غیر تصادفی به هم اتصال یافته‌اند. به عبارت دیگر رخدادها دارای ارتباطی هدفمند و سازمان یافته‌اند و با یکدیگر در ارتباط هستند. و ما را به سمت سامان یافتن و نتیجه‌گیری هدایت می‌نمایند.